

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا  
۰۱ فبروری ۲۰۲۴



مختار دریا

## مکش هزاره را



که این تبار چون نماد صبر و استقامت و نثار  
به زیر چکمه های کینه توز تو  
سکوت کرده است  
مکش هزاره را که خشم مرگیار او بیافتند  
بنای ظلم و کینه که خشت خشت آن  
زخون و خاک این وطن بنا شده  
تو میشناسی این هزاره کیست؟  
شنو، برون کن از دو گوش پنبه های جهل را  
بزن کنار، پرده تعصب و نفاق را ز پیش چشم خود

بین هزاره کیست!  
نشان سگلیهای\* او به روی کوچه های شهر  
به پشت مشک آب، کوزه های خانه های شهر را پر آب می نمود  
طنین هر نفس کشیدنش به راه خانه های باله کو  
اند رآبی و بلندیهای کوه آسمانی، شیردروازه  
نماد همت بلند او شنیده می شود  
مکش هزاره را که قطره قطره خون او  
به دره ها وجویبار رنگ انتقام رنگ سرخ می دهد  
دریچه ها و پرده های خانه های تان  
هنوز خاطرات سیم پیچ پیچ را به یادت می دهد  
ببین به چشم نیمه کور خود هزاره کیست  
برای چرخ چاه تان کی دلو رابری و ریسمان درست کرده بود؟  
ز سیم تابر جالی و سبد برای میوه جات  
هنوز چپلیهای رابری به خاطر تو هست؟  
مکش هزاره را که کودکان او به هرکجا که رفته اند  
به افتخار، بیرق سه رنگ زادگاه خویش را  
بلند کرده افتخار زادگاه خویش گشته اند  
در امتحان کانکور همچو کاج سر بلند سر کشیده اند  
به عرصه های ورزشی ندیده ئی که بیرق سه رنگ را کیها بلند کرده اند!  
بیا. و دست دوستی به این تبار میتکر بده  
که در تمام عرصه ها نماد فخر گشته آن  
به آسمان علم و دانش و ادب ستارگان پر فروغ بوده اند  
مکش هزاره را دگر که صبر از حدود آن گذشته است  
هنوز از نیام تیغ انتقام او سرش برون نکرده است  
بترس زاندمی که آن تنور انتقام شعله ور شود  
بیادت آورم، تویی که حنجر تبسمش بریده ئی  
چپاولت به مال و جایداد او  
به برده گی کشاندن هزاره دختران  
ز اغتصاب دختران و قتل و سوختن پناهگاه شان  
فرار دادن از زمین زادگاه شان  
ز حبس و قتل عام مردمان حَقطلب  
ز کله های سروران آن تبار  
به قصر (بوستان سرای) منار ساختن  
درون چاه های بالاحصار

فگندن جنازه های آن یلان نامدار  
که نیمه شب شروع و تا طلوع فجر ختم شد  
ز تور\* بندیوان و آن جنایت فجیع او  
دگر چه گویمت از این جنایت و خیانتت  
مکرراً بگویمت بس است، مکش هزاره را  
بیادت آورم رشادت و شجاعت  
همین تبار در کنر و مشرقی و خوست  
که هریکی بلوچ و ترک از یک و هزاره  
سینه ها سپر نموده اندرون سنگر وفا و همدلی  
دماز از نهاد دشمنان زادگاه خود کشیده اند  
مکش هزاره را، بس است ذلتت  
به پیش دشمنان این وطن  
به قلب عرصه نبرد  
از یک و هزاره و بلوچ و ترک و نور بین  
که همدلانه درکنار پشتون و ایماق و پشه ئی  
چه خشمگین خدنگ را به قلب دشمنان این وطن فگنده اند.  
کمی به خود بیا نگر که سیل خشم این عذاب دیدگان  
ز دره ها به هم رسیده بحر خشم می شوند  
ترا و خیل زادگان گند همطراز تو  
تباہ می شوند  
مکش هزاره را مکش هزاره را  
بیا تو هموطنم سرم فدای راه تو  
یکی شوید و بیرق سه رنگ افتخار این زمین پاک را  
به فرق قله های کوهسار این وطن  
به اهتزاز آورید.  
هنوز چند گند زاده از این تبار  
شرف فروختند و راهی دیار غیر گشته اند  
دگر حنای شان به پیش مردمان، حنای رنگ باخته ست  
ولی نهاد این تبار پاکتین  
همیشه پاک و دور از خیانت و جنایت است  
و کودکان شان زکودکی نوای انقلاب  
برزبان شان سرود جاودانه می شود  
نگر که از میان این شکنجه دیدگان عصر  
چه نامور دلیر مردمان سربه کف به پای دار رفته اند

و یا درون دخمه های چاکران اجنبی  
ز قید این حیات دردناک  
رها شدند و بی کفن درون خاکهای پولیگون  
حیات جاودانه یافتند  
بیا و بس کن این عداوت و شقاق و نفرت کشنده را

\*\*\*\*\*

\*سکلیها: نوعی از چپلی ها و بوتهای رابری بود که در مرادخانی ساخته شده و عمدتاً سقاب ها آن را به پای شان  
می نمودند.

اهداء به هم میهنان هزاره ام که به وجود شان افتخار می کنم  
مختار دریا ۲۸ جنوری ۲۰۲۴ میسیساگا، اونتاریو کانادا